

خاطرات هند

(۱۳۵۴ - ۱۳۴۶ هجری خورشیدی)

تألیف و گردآوری:

دکتر ه. کاردوش



تهران ۱۳۸۴

فهرست برگه

کاردوش، دکتر هاشم، ۱۳۵۱.
خاطرات هند (۱۳۵۴ - ۱۳۴۶ هجری خورشیدی) / تألیف و گردآوری
 ه. کاردوش، ویراستار: ناهید شهیدی -- تهران: کتاب سرا، ۱۳۸۴.
 ۳۶۰ ص.؛ مصرع. ۳۵۰۰۰ ریال.

ISBN: 964-5840-79-1

ش.ا.ب.ک.: ۱-۷۹-۵۸۴۰-۹۶۴ -
 فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. هند -- تاریخ. ۲. هند -- آداب و رسوم زندگی اجتماعی.
۳. هند -- تمدن -- تأثیر اسلام. ۴. هند -- تمدن -- تأثیر ایران.
- الف. عنوان.

۹۵۴

۲خ ۲ / ۴۳۶ DS

۸۴-۲۲۲۸ م

کتابخانه ملی ایران

خاطرات هند
 (۱۳۵۴ - ۱۳۴۶ هجری خورشیدی)
 تألیف: دکتر هاشم کاردوش
 ویراستار: ناهید شهیدی

چاپ اول: ۱۳۸۴
 حروفچینی و صفحه آرایی: آتلیه کتاب سرا
 چاپ: چاپخانه کامران
 تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

ISBN: 964-5840-79-1

ش.ا.ب.ک.: ۱-۷۹-۵۸۴۰-۹۶۴



دفتر مرکزی و نمایشگاه شرکت کتاب سرا
 خیابان خالداسلامبولی (وزرا)، کوچه ششم، کوی دل افروز، شماره ۸،
 ساختمان کتاب سرا - کد پستی: ۱۵۱۱۷۳۶۹۵۳ تهران
 تلفن: ۸۷۱ ۶۱۰۴ - ۸۷۱ ۷۶۳۶ - ۸۷۱ ۷۸۱۹
 فکس: ۸۷۱ ۲۴۷۹، تلگراف: کتاب سرا، صندوق پستی: ۷۳۳-۱۵۷۴۵
 E-mail: Ketab-sara@neda.net.ir

فروشگاه شرکت کتاب سرا

الهیه، خیابان مریم، شماره ۷۰، تهران ۱۹۶۴۹۶۶۱۱۱
 تلفکس: ۹۰۶۰ ۲۰۵ - تلفن: ۲۰۲۰۴۱۱

با یاد همسر درگذشته‌ام،

که او هم خاطره‌ای از هند بود...

همانند ستاره‌ای خوش درخشید و زود غروب کرد...

اما خاطره‌اش هنوز با من است، با من برای همیشه....

www.ketab.ir

فهرست مندرجات

تقریظ به قلم استاد، دکتر سید محمدرضا جلالی نائینی.....	۵
پیش‌گفتار.....	۱۱
شعر «هند عزیز مرا بپذیر».....	۱۷
فصل اول - مختصری از روابط ایران و هند، دو خویشاوند آریائی در گذر تاریخ.....	۲۱
فصل دوم - ویژگیهای سرزمین و مردم هند.....	۵۳
فصل سوم - زبان فارسی عنصر اصلی میراث کهنسال و مشترک فرهنگی ایران و هند ...	۷۹
فصل چهارم - نگرشی کوتاه بر تأثیر و نفوذ زبان فارسی در زبانهای رسمی و رایج هند.....	۹۷
فصل پنجم - در محضر پیر دهلوی «تصوّف و عرفان» از دیگر عناصر مشترک دو کشور.....	۱۲۱
فصل ششم - نقش مسلمانان‌ها در آزادی و استقلال هند.....	۱۵۱
فصل هفتم - «گیتا» Gita «فیلمنامه و داستان» Scenario (سناریو).....	۲۱۱
فصل هشتم - آئین سیک (Sikhism) و پیدایش آن.....	۲۴۱
فصل نهم - کارنامه هشت سال مأموریت فرهنگی در هند.....	۲۵۹
«هند عزیز خدا حافظ» - قصیده.....	۲۹۷
یادگارهای ماندگار.....	۳۰۳
گزیده‌ای از عکس‌ها.....	۳۲۵

تقریظ

به قلم استاد،

دکتر سید محمدرضا جلالی نائینی

www.ketab.ir

«بسم الله الرحمن الرحيم»

هست کلید در گنج حکیم»

این کتاب «هندشناسی» تألیف محقق فرزانه، دکتر کاردوش، شاعر، نویسنده و حقوقدان است، که در سالهای ۵۴-۱۳۴۶ هجری خورشیدی، به مدت هشت سال، نماینده فرهنگی ایران در هند و نیال بوده است. دکتر کاردوش، به محض ورود به هند، بر آن شد که فرهنگ را از سیاست روز جدا کند از این رو در محیطی فرهنگی، محلی را در حدود چندین هزار متر مربع در یکی از بهترین خیابان‌های دهلی نورو بروی دیوان عالی کشور اجاره کرد و در شهرهایی که هنوز انجمن هند و ایران تأسیس نشده بود به این کار مبادرت ورزید با وجود این که اعتباری برای خرید محل در بودجه ایران پیش‌بینی نشده بود. در صدد برآمد تا محل مذکور را برای فرهنگ سرای ایران خریداری نماید. کوشش این مرد عزیز هیچگاه متوقف نشد و از آنجا که جهت تأمین بودجه برای بسط و گسترش زبان و ادبیات پارسی در خارج، ماده‌ای در اساسنامه سابق شرکت ملی نفت ایران پیش‌بینی شده بود، از این رو آقای دکتر موفق شد، تا از این طریق، موافقت شرکت مزبور را برای خرید محل مذکور جلب کند. اما نقل و انتقال این محل، طبق مقررات زمان تسلط انگلیسی‌ها در هند، بدون موافقت دولت هند ممکن نبود.

دکتر کاردوش، با یاری دکتر «تاراچند»، عالم برجسته، فیلسوف و مؤرخ کبیر هند و دکتر بشیر حسین زیدی «کلنل زیدی» و سایر مقامات عالی‌ه در انجمن هند و ایران، این مشکل را هم با سرپنجه تدبیر حل کرد و دکتر «تاراچند»، که قبلاً سفیر کبیر هند در ایران بود و در استحکام روابط حسنه میان دو کشور هند و ایران همواره کوشیده بود، به عنوان رئیس انجمن هند و ایران، از طرف خود و

سایرین، نامه مؤکدی به مقامات عالیہ نوشت و موافقت کشور خود را برای فروش محل مذکور جلب کرد و بدین وسیله دکتر کاردوش موفق شد تا خدمتی بزرگ و ماندگار به وطن عزیز خود انجام دهد.

پیش از ورود دکتر کاردوش به هند، مستشاران فرهنگی ایران در سفارت ایران تنها اتاقی در اختیار داشتند که نه مناسب شخصیت آن جنابان و نه جایی مناسب و مستقل برای مراجعه کنندگان هندی محسوب می‌شد. که با تأسیس خانه فرهنگ ایران این مشکل هم حل شد.

یکی دیگر از اقدامات ضروری و مهم آقای کاردوش در هند انتشار کتاب «گزیده‌ای از نظم و نثر فارسی» برای بخش زبان فارسی دانشگاه‌های هند بوده است. قبل از چاپ این اثر، کتابی تحت عنوان "Persian text book" در دانشگاه‌های هند تدریس می‌شد، با متن و مطالبی بسیار کهنه، مربوط به یک قرن پیش، که از نظر شرح و توصیف نارساییهای آن زمان ایران، بی‌تناسب با حال و تا اندازه‌ای هم توهین‌آمیز بود، لذا آقای کاردوش، با تدبیر مخصوص و طرزى که برای هندیان قابل قبول باشد و تهیه کتاب جدید وسیله خود آنها تلقی شود، ضمن تشکیل و برگزاری سمیناری از استادان زبان فارسی سراسر هندوستان، کمیته‌ای متشکل از چهار نفر از استادان معروف زبان فارسی انتخاب شدند و، با پیگیری آقای دکتر و تداوم جلسات کمیته، متن کتاب مزبور در ششصد و بیست و چهار صفحه تهیه شد و متعاقباً، با مجاهدت ایشان، متن مزبور در وزارت فرهنگ ایران، به انضمام مقدمه محققانه‌ای از شادروان دکتر «تاراچند»، به چاپ رسید و به هند فرستاده شد و بین دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی توزیع گردید. در حال حاضر این کتاب مورد استفاده فرهنگیان و دانشجویان زبان فارسی و همچنین بسیاری از دانشگاه‌های آن کشور می‌باشد. این مورد نیز یادگاری از تلاش شبانه‌روزی هشت سال خدمات فرهنگی دکتر کاردوش است. اثری که پیش روی دارید در نه فصل و دو بخش «یادگارهای ماندگار» و

«گزیده‌ای از عکسها» فراهم آمده و به زیور چاپ آراسته شده است، که مطالعه‌ی آن می‌تواند برای خوانندگان جالب و قابل استفاده باشد.

در فصلی از این کتاب راجع به مذهب سیک، که مذهبی متأثر از اسلام و هندوست، می‌خوانیم که سیک‌ها پیروان «گرونانک» هستند و در حال حاضر بالغ بر چهارده یا پانزده میلیون تن می‌شوند که بیشتر آن‌ها در استان پنجاب هند زندگی می‌کنند و به خدای یگانه اعتقاد دارند.

ضمناً گفتنی است که هند، در مدت پنجاه و اند سال استقلال، همچنان به قانون اساسی خود بر اساس تثبیت دموکراسی و حفظ و حراست آزادی و حقوق افراد ملت وفادار مانده است. با اینکه در این کشور چهارده زبان رسمی و در حدود سیصد لهجه مختلف و مذاهب گوناگون بومی و غیربومی وجود دارد، با این حال، دموکراسی هند براساس آراء ملت برپاست و هر هندی حق دارد انتخاب کند یا انتخاب شود و زن و مرد هندی در قبال قانون متساوی‌الحقوق هستند. به علاوه، این کشور در تمام مدت پنجاه و اند سال ذکر شده گام‌های بلندی برای آبادی و عمران و فقرزدایی و اصلاحات داخلی و تنویر افکار و امنیت عمومی و اصلاحات قضایی و حتی تهیه ارزاق و نیازهای اجتماعی برداشته است. پیروان مذاهب: بودایی، جین، هندو، مسلمان، مسیحی، سیک و قبیله‌ای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن دارند. هم اکنون، با آنکه هشتاد و پنج درصد مردم هند «هندو» هستند و از هر صد نفر ده تا دوازده تن آنان مسلمانند و سیک‌ها چیزی در حدود چهارده میلیون نفرند، معهذا، در حال حاضر رئیس‌جمهور این کشور مسلمان است و نخست‌وزیر هند یک فرد سیک می‌باشد و سایر مذاهب، به نسبت جمعیت‌شان، در دستگاه‌های دولتی، دانشگاه‌ها، ادارات و ارتش خدمت می‌کنند و از مزایای قانون و آزادی‌های فردی و اجتماعی به میزان وسیع برخوردارند. رأی مردم، بدون دخالت دولت، در صندوق‌های انتخاباتی ریخته می‌شود و، با امانت، نگهداری و خوانده می‌شود.

در واقع، «هفت شهر عشق را عطار گشت»، در صورتی که برخی از کشورها هنوز اندر خم یک کوچه‌اند و لذت آزادی و دموکراسی واقعی را مردمش به گور می‌برند. این شمه مختصری بود از کشور «بزرگترین دموکراسی جهان»... باری... من در طول پنجاه و اند سال دوستی با دکتر کاردوش، در ایران و خاصه در هند، همواره از صفا و محبت و فرزانی و راهنمایی دکتر برخوردار بوده‌ام و در دیدارهایی که با رجال علم و ادب و دانشگاهی هند، در معیت ایشان، به عمل آمد، از نزدیک شاهد بودم که هندیان به دکتر کاردوش کمال احترام را مرعی می‌داشتند و حتی در ملاقاتی که با زنده یاد دکتر ذاکر حسین، رئیس جمهوری هند، در کاخ ریاست جمهوری در معیت دکتر کاردوش صورت گرفت، رئیس جمهور او را مورد توجه ویژه‌ای قرار داد و هنگامی که به رئیس جمهور گفتم: «افتخار ملاقات جنابعالی را در سه مقام عالی یافتم؛ یکی زمان ریاست دانشگاه علیگر، و دیگر هنگام معاونت رئیس جمهوری و هم اکنون در کاخ ریاست جمهوری»، دکتر ذاکر حسین گفت: «من چون سنگ‌های پرنده‌ام» دکتر کاردوش بلافاصله گفت: «بلی، ولی مانند گوه‌های گران بهاء».

در دانشگاه دهلی نو و دانشگاه بنارس دکتر کاردوش دلیل و راهنمای من بود و همه جا می‌دیدم که این دوست عزیز مورد احترام و تکریم و تجلیل است. کاردوش، در ایران، در کانون وکلاء دادگستری مرکز نیز، با دریافت تقدیرنامه‌های مکرر، همواره مورد احترام و تکریم هیئت‌های مدیره و رؤسای کانون بوده است. خداوند او را سلامت بدارد و بر توفیقاتش افزوده گردد.

انتشار این اثر محققانه را به دوست پنجاه و اند ساله خود تبریک می‌گویم و امیدوارم جناب دکتر کاردوش، با دانش و اطلاعات کافی و وقوف علمی و ادبی خود، قناعت به انتشار این اثر نکنند و با آثار منظوم و منثور خویش همچنان دوستان را مستفیض و بهره‌مند فرمایند.

سید محمدرضا جلالی نائینی

هر سیر و سفر دارد زی دوست ره آوردی

ناچیز ره آوردیست این هدیه به مشتاقان

در اسفند ماه ۱۳۴۲ هجری خورشیدی، به دعوت دو وجود نازنین که یکی از آنها متأسفانه سالها است که چهره در نقاب خاک کشیده و مرا با انبوهی از خاطرات و دلی دردمند تنها گذارده و دیگری که خدایش سلامت و برقرار بدارد همچنان آرام بخش روح و جان منست، برای اولین بار عازم دیار هند شدم. در این سفر با سوابق ذهنی که از این کشور داشتم یگه و تنها سرشار از شور و اشتیاق یک زائر، تعدادی از مراکز و شهرهای مهم شبه قاره (هند و پاکستان) را به تفصیل دیدم و با بسیاری از مردم عارف و عامی دیدار و گفتگو کردم و ماحصل باین نتیجه رسیدم که در شبه قاره هند و در میان جامعه‌ای بزرگ با خصوصیات جوامع شرقی به دور از تجملات و زرق و برق ملتهای دیگر جهان و در جوار مردمی با احساس و مهربان، منابع و مآخذ و زمینه‌های بسیاری برای مطالعه و تحقیق در آثار زبان و ادب فارسی و سیر تصوف و عرفان و فعالیت‌های فرهنگی وجود دارد. از این رو وقتی در سال ۱۳۴۶ مأموریت و مسئولیت فرهنگی کشورهای هند و نپال باینجانب پیشنهاد شد بدین امید که محتملاً علاقه و شوق اینجانب در این ارتباط منشاء اثر و خدمتی بشود از این پیشنهاد استقبال کردم و در آبانماه همان سال در معیت شادروان محمود تفضلی رایزن فرهنگی پیشین، روانه آن دیار شدم. در بدو امر گمان نمی‌بردم که تا آن اندازه مورد محبت مردم و استقبال گرم جامعه فرهنگی هند واقع شوم اما راهی را که که لدی الورد با شعر و ادب به دل و جان فرهنگیان و ادب دوستان گشوده بودم در نیل باین مقصود

کار ساز افتاد.

مراسم معارفه از طرف انجمن هند و ایران با برگزاری مجلس مشاعره^۱ در یکی از تالارهای مجلل و جدیدالاحداث «کمانی هال» در مرکز شهر دهلی نو ترتیب داده شده بود. به طوری که معمول مجالس مشاعره است عده کثیری از رجال و وزرای هند، اساتید دانشگاه‌ها، نمایندگان سیاسی کشورهای خارجی، اعضای انجمن هند و ایران و سایر مردم عادی در این اجتماع بزرگ حضور داشتند. پس از مراسم معارفه که وسیله دانشمند فقید دکتر «تاراچند» سفیر اسبق هند در ایران و رئیس انجمن هند و ایران به عمل آمد و ایراد مطالب مختصری از طرف اینجانب، قطعه شعری را تحت عنوان «هند عزیز مرا بپذیر» که به مناسبت ورودم به هند سروده بودم قرائت کردم که مورد استقبال گرم حضار قرار گرفت (قبلاً می‌دانستم که مردم هند اشعار کلاسیک را با همان تشبیهات و استعارات کهن می‌فهمند و می‌پسندند و معتقدند که زبان فارسی اصیل همان زبان دوران سعدی و حافظ است که بعداً در معرض تحریف و تضییع قرار گرفته است). ولی این موضوع از طرف دیگر مشکل و محظوری هم برای من بوجود آورد بدین قرار که حقیر از آن تاریخ برخلاف واقع به شاعر معروف شدم و در هر رویدادی از طرف جوامع فرهنگی هند برای ساختن شعر مناسب به اینجانب مراجعه می‌شد.^۲ در بدو امر که برای یکی دو سال و به قصد

۱- مشعره به مفهوم ایران را در هند «بیت بازی» می‌گویند و کلمه مشعره در آنجا به مجالس شعرخوانی که سنتی و بسیار متداول است اطلاق می‌شود.

۲- از آن جمله بیاد دارم قصیده‌ای بود که به مناسبت سالروز درگذشت «عل بهادر شاستری» نخست‌وزیر فقید هند تحت عنوان «مرگ زیبا» با مطلع.

ناگهان بانگی برآمد از دیار تاشکند درد و حرمان در دل خلق جهانی برفکند

و شعر نوبی تحت عنوان «خداحافظی» برای قرائت در مراسم درگذشت شادروان دکتر ذاکر حسین رئیس جمهور فقید سرودم که در نشریه «هند و ایران» منتشر شد. همچنین در این ارتباط چهار سطر شعر فارسی که برای نقر بر روی چهار دیوار آرامگاه آن زنده یاد خواسته شده بود، قطعه شعر تضمین گونه ذیل تهیه و در اختیار جناب آقای خورشید عالم خان داماد آن مرحوم گذارده شد.

کامل کردن دوران خدمت رسمی و نائل آمدن به سمت بازنشستگی روانه این مأموریت شده بودم، مأموریتم مدت هشت سال تمدید شد و به طول انجامید. هرگز گمان نمی‌بردم که در این مأموریت یک‌ه و تنها منشأ خدماتی ارزشمند و ماندنی به شرح آتی بشوم. در این راه تنها تفضل الهی و التفات خیر اندیشانی چند، دستگیر این مخلص شد. از آنجا که طی اقامتی نسبتاً طولانی در هند با سیر و سفر از کوهپایه‌های هیمالیا تا جنوبی‌ترین نقاط در کرانه‌های اقیانوس هند و از قسمتهای شرق تا غرب این سرزمین ضمن معاشرت و گفتمان با صاحبان مقامات عالیه و مردم عادی و به خصوص شخصیت‌های فرهنگی طبعاً تجربیاتی آموختم، از این رو مطالبی که در این کتاب به نظر می‌رسد پیش از اینکه مواردی تاریخی و یا آثاری پژوهشی باشد دست‌آوردهائی تجربی و واقعیت‌هائی عینی است.

این خاطرات برای من در تمام مدت عمر فراموش ناشدنی و در عین حال آموزنده باقی خواهد ماند زیرا ثابت کرد در روزگاری که پیشبرد امور و نیل به اهداف با مشکلات عدیده مواجه بود چگونه عشق و علاقه، راه‌گشای تحقق آرزوها و رافع موانع و مشکلات گردید.

یادت بخیر عارف عالی مقام ما
شکر شکن، تو طوطی شیرین کلام ما
حافظ، سخن‌سرای بزرگ و بنام ما
ثبوت است در جریده عالم دوام ما

بر تربیت تو باد ز ایران پیام ما
یسادت بخیر، کز ادب پارسی شدی
نیکو سرود این سخن‌نغز و دلنشین
«هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق»